



## دیدگاهی خاص از دو جنگ

جورج فریدمن  
استراتژیست

دو جنگ بزرگ در حال وقوع است. یکی، بین اوکراین و روسیه که بیش از دو سال و نیم است در جریان بوده است، اما تقریباً به اوکراین محدود شده است. دیگری، بین اسرائیل و حماس که تقریباً یک سال است که ادامه دارد، اما به طور چشمگیری در حال گسترش است. نبرد اخیراً از شمال به لبنان تشدید شده است. طبیعت جنگ این است که دامنه‌اش گسترده شود. هنگامی که دو نیروی نظامی با هم برخورد می‌کنند، جنگ ایستا اغلب به مانور جنگی تبدیل می‌شود زیرا هر یک از طرفین به دنبال کنار زدن دشمن و گسترش حملات خود برای شکست دشمن هستند. با پیشرفت جنگ‌ها، حملات از جناحین و حملات در مقیاس بزرگ بیشتر می‌شود و تقاضا برای تدارکات افزایش می‌یابد. بنابراین آنچه به عنوان یک درگیری محدود آغاز شد، هم در مقیاس و هم در تعریف رشد می‌کند. منطق جنگ جا می‌افتد. مانورهای افزایش می‌یابد، خطوط حمله طولانی می‌شود و آسیب‌پذیری‌ها آشکار می‌شود، و نقشه‌های درگیری دوباره ترسیم می‌شوند و این خود منجر به گسترش جغرافیایی جنگ می‌شود. جنگ در اوکراین تاکنون نسبتاً مهار شده است و عمدتاً به منطقه بین حمله روسیه و دفاع در حال توسعه اوکراین محدود شده است. با این حال، جنگ دوم، که در اکتبر گذشته با حمله حماس به اسرائیل آغاز شد، با اقدام اسرائیل برای حمله به حزب‌الله لبنان تغییر شکل داده است. این جنگ یک درگیری متعارف و تحت رهبری پیاده‌نظام با خطوط مشخص درگیری نخواهد بود و همانطور که شروع شد ادامه خواهد یافت. اسرائیل برای از بین بردن ساختار فرماندهی طرف مقابل تلاش خواهد کرد و حزب‌الله و حماس تلاش می‌کنند تا جمعیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهند. در این درگیری، دستیابی به مزیت و غافلگیری، توسعه دامنه جنگ را موجب می‌شود. جنگ اسرائیل و اعراب به احتمال زیاد به سمت شمال و شرق به سمت ایران و آسیای مرکزی پیش خواهد رفت. اگر این اتفاق بیفتد، روسیه باید حضور نظامی خود را به طور چشمگیری افزایش دهد تا بتواند خطر را مدیریت کند؛ به‌ویژه پس از حمله تروریستی چند ماه پیش اسلام‌گرایان به سالن تئاتر مسکو. اما روسیه قادر نخواهد بود در برابر حرکت به سمت شمال، دفاع فعال خود را حفظ کند. اگر چه اسرائیل متحد روسیه است اما بی‌ثباتی در شمال به ایران اجازه می‌دهد قدرت خود را افزایش دهد. اسرائیل در وقوع چنین سناریویی محتاط خواهد بود و از درگیری با ترکیه اجتناب خواهد کرد. گسترش دامنه جنگ به شمال، موجب خواهد شد ارتش اسرائیل متفرق شود و توانایی‌اش برای مانور محدود شده و در نتیجه عملکردش در جنگ تضعیف شود. منافع روسیه فراتر از اوکراین است، از جمله نگرانی فزاینده در مورد تهدیدات در امتداد مرز جنوبی روسیه. در همین حال، اندازه کوچک ارتش اسرائیل و چالش‌های لجستیکی، توانایی‌اش برای عملیات دربردار محدود می‌کند. بدون خنثی کردن تهدیدهای فوری، اسرائیل نمی‌تواند نیروهای خود را به سمت شمال متفرق کند. به نوعی، این گسترش دامنه جنگ گزینه‌های استراتژیک اسرائیل را محدود کرده و در عین حال به درگیر شدن بیشتر روسیه در سرزمین‌های اعراب‌دامن می‌زند.

شاید این سناریو دور از ذهن به نظر برسد، اما تمایل بشر به دست بالا گرفتن توانایی خود برای کنترل خشونت جمعی کاملاً واقعی است. تجربه ایالات متحده در افغانستان تنها یک نمونه است. جنگ‌ها به ندرت ایستا هستند، و جغرافیا و در دسترس بودن نیروها در این مورد خاص، احتمال یک تحول بسیار غیرمحتمل را بیشتر می‌کند. روسیه در حال حاضر درگیر یک جنگ بزرگ است، اما تغییر جهت جنگ اسرائیل و اعراب به سمت شمال، ممکن است مسکو را به سمت اقداماتی سوق دهد که پیش‌بینی نمی‌کرد. در چنین جنگی ممکن است روسیه و آمریکا بار دیگر به هم نزدیک شوند. شاید بعید به نظر برسد اما اتحاد ایالات متحده و شوروی در جنگ جهانی دوم نیز بعید بود اما رخ داد. در مورد ایالات متحده، این کشور استراتژی تسلیح متحدان خود را در پیش گرفته است اما از ورود به نبرد مستقیم اجتناب می‌کند. ایالات متحده مدت زیادی را صرف یادگیری این آموزه کرده و به نظر می‌رسد بدون توجه به انتخابات آینده، همچنان از آن پیروی خواهد کرد.

## فاجعه برای هر دو طرف جنگ

با آسیب به حزب‌الله، اسرائیل هم پیروز نهایی نخواهد بود



AP-کنگ

تحولات  
خاورمیانه

**ترجمه آریا صدیقی:** تشدید درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان، در نهاد خود، رقابت اراده‌ها بین ایران و اسرائیل است. تهران قصد دارد با برقرار کردن ارتباط نظامی و وابستگی متقابل بالقوه بین میادین نبرد در غزه، عراق، سوریه، لبنان و یمن، یک واقعیت استراتژیک جدید را بر اسرائیل تحمیل کند و اسرائیل در تلاش است با این طرح ایران، با استفاده از شدیدترین حملات نظامی پاسخ دهد. نتیجه این رویارویی تاکنون یک ناکارآمدی استراتژیک و کشته شدن هزاران غیرنظامی و آوارگی صدها هزار نفر و ویرانی فیزیکی بوده است. در حال حاضر به‌رغم حملاتی که گروه‌های مقاومت از عراق و یمن به اسرائیل صورت می‌دهند، میدان اصلی نبرد همچنان غزه و جنوب لبنان است. حزب‌الله لبنان یک روز پس از حمله هفتم اکتبر حماس، در راستای دکترین دفاع نامتقارن ایران، حملاتی را به اسرائیل صورت داد. در آن زمان حزب‌الله اعلام کرد که این حملات را در حمایت از غزه و تا زمان برقراری آتش‌بس ادامه خواهد داد. تا به اینجای کار هیچ برنده واقعی در این درگیری وجود ندارد و احتمالاً این درگیری برنده‌ای نخواهد داشت. توانایی نظامی حماس به شدت تضعیف شده است و حزب‌الله نیز در روزهای اخیر ضربات سختی را متحمل شده و در مقابل اسرائیل نیز به مدت یک سال است در وضعیت بغرنجی به سر برده و ضربات سختی را متحمل شده است. به‌رغم اینکه اسرائیل پیروزی‌های تاکتیکی به دست آورده اما به‌هیچ‌عنوان به تحقق دستاوردهای استراتژیک نزدیک نیست. شمال اسرائیل تقریباً خالی از سکنه شده است، اعتبار و شهرت بین‌المللی اسرائیل به واسطه کشتار غیرنظامیان فلسطینی به شدت آسیب دیده است، اقتصاد اسرائیل در وضعیت بسیار بدی قرار گرفته و در عرصه سیاسی داخلی نیز اسرائیل با آشفتگی روبه‌رو است.

در غیاب یک استراتژی دیپلماتیک، اسرائیل همچنان مشغول حمله به حماس و حزب‌الله است. هر چند این حملات به لحاظ سیاسی به نفع بنیامین نتانیاهو است

## بازگشت خشم به سمت اسرائیل

یل پیلار  
استاد دانشگاه جورج تاون

تمام‌عیاری که در سال ۱۹۸۲ در کنار سایر کشتارهای اسرائیل نظیر قتل عام در صبرا و شتیلا انجام شد. اردوگاه حزب‌الله با معرفی خود به عنوان مدافع اصلی لبنانی‌ها در برابر غارت‌های اسرائیل، حمایت مردمی زیادی را به دست آورد. اسرائیل سابقه ترور رهبران حزب‌الله را دارد و این رویکرد دستاورد زیادی برای اسرائیل به ارمغان نیاورده است. سال ۱۹۹۲، از حمله هلیکوپترها برای ترور عباس الموسوی، دبیرکل حزب‌الله در آن زمان استفاده کرد. مهم‌ترین تأثیر این عملیات ترور در لبنان باز کردن درها برای دبیرکل سیدحسین نصرالله بود که نشان داد رهبری به مراتب مؤثرتر از موسوی است.

در ماه مه ۱۹۹۴، کمانده‌های اسرائیلی، رهبر چریک‌های شیعه لبنان به نام مصطفی دیرانی را ربودند و هم‌زمان به مقر حزب‌الله در جنوب لبنان یورش بردند. حملات اخیر اسرائیل در لبنان - به‌ویژه ترور نصرالله - به حزب‌الله حداقل انگیزه‌ای می‌دهد که در دهه ۱۹۹۰ برای مقابله‌به‌مثل داشت. صرف‌نظر از اینکه حملات اسرائیل تا چه اندازه توانایی حزب‌الله را برای مبارزه در یک جنگ متعارف تضعیف کرده است، احتمالاً ظرفیت حزب‌الله برای عملیات‌های نامنظم در جاهای دیگر کاهش نیافته است. احتمال انتقام‌جویی علیه اهداف نرم مرتبط با اسرائیل در چند ماه آینده زیاد است. اگر چنین حمله‌ای رخ دهد، واکنش ناظران خارجی، به‌ویژه در ایالات متحده، احتمالاً چیزی شبیه به «حزب‌الله یک گروه تروریستی است و این همان کاری است که گروه‌های تروریستی انجام می‌دهند» را شامل می‌شود. چنین پاسخی به جای اینکه به‌عنوان تاکتیکی که گروه‌ها و ملت‌های مختلف برای مقاصد مختلف از آن استفاده کرده‌اند، اشتباه نگاه کردن به تروریسم را به‌عنوان یک گروه ثابت از افراد شور و تداوم می‌بخشد. این اشتباه درک ماهیت درگیری بین اسرائیل و حزب‌الله و علل اساسی آن را مختل می‌کند.

اسرائیل مدت‌هاست که از تاکتیک‌های تروریستی در این درگیری استفاده کرده است؛ از جمله بمب‌گذاری در خودروها و دیگر ترورهای مخفیانه. اسرائیل با استفاده اخیرش از پیجرهای مجهز به مواد منفجره، بر بدنامی خود افزود. عدم امکان کنترل اینکه چه کسی با انفجار هزاران دستگاه از راه دور قربانی می‌شود، در کنار ماهیت مخفیانه این عملیات، آن را کاملاً به یک حمله تروریستی تبدیل می‌کند. اینکه هدف اصلی، اعضای حزب‌الله بودند، مانع از تروریستی نامیدن این حمله نمی‌شود. تا حدی به این دلیل که عضویت در حزب‌الله - یک سازمان چندوجهی سیاسی و همچنین شبه‌نظامی - به معنای پوشیدن لباس رزمنده درگیر در مبارزه با اسرائیل نیست.

حملات اسرائیل به لبنان همانند ویرانی یک‌ساله‌ای که در نواز غزه ایجاد کرد، جان بسیاری از غیرنظامیان در لبنان را گرفته است. به گفته وزارت بهداشت لبنان، بیش از ۱۰۰۰ نفر از جمله حداقل ۸۷ کودک در جریان عملیات‌ها در دو هفته گذشته کشته شده‌اند و بیش از ۹۰۰۰ نفر از خانه‌های خود آواره شده‌اند. با حملات رژیم صهیونیستی به جنوب بیروت که منجر به ترور سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله شد، تعداد کشته‌ها به شدت افزایش یافته است. حملات به محله‌های پرجمعیت، چندین ساختمان مسکونی را با خاک یکسان کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، می‌گوید جنگ اسرائیل با حزب‌الله است، نه لبنان، اما لبنان از این جنگ رنج می‌برد. حتی قبل از حملات اخیر، لبنان در یک بحران اقتصادی عمیق قرار داشت. بحران سیاسی لبنان نیز با تلاش برای از بین بردن سازمانی نظیر حزب‌الله لبنان که یکی از احزاب سیاسی اصلی لبنان است و وزیران دولت و قانونگذارانی در پارلمان دارد و عضو ائتلاف‌هایی از جمله مسیحیان و دیگران بوده است، بهتر نخواهد شد.

حمله اسرائیل، از جمله ترور سیدحسین نصرالله، توانایی، و قطعاً تمایل عناصر لبنان را برای پاسخ قاطعانه به اقدامات اسرائیل از بین نخواهد برد. عملیات اسرائیل - مانند عملیات علیه حماس - مبتنی بر این منطق نادرست است که تهدید به خشونت علیه اسرائیل از ماهیت بد گروه‌های خاصی سرچشمه می‌گیرد و بنابراین تنها پاسخ مناسب ترور تعداد زیادی از اعضا و ترجیحاً رهبران آن گروه‌ها است. محرک اصلی خشونت ضداسرائیلی خشم نسبت به اقدامات خود اسرائیل است. این واکنش به ماهیت یا حتی وجود گروه خاصی بستگی ندارد. همانطور که تاریخ طولانی درگیری اسرائیل با فلسطینی‌ها نشان می‌دهد، اگر هر یک از گروه‌های مقاومت مورد ضرب و شتم قرار گیرد یا به‌رابطه محو شود، خشم و میل به حمله مجدد کاتال‌های دیگری پیدا می‌کند.

لازم به یادآوری است که تأسیس حزب‌الله و افزایش سریع قدرتش در اوایل دهه ۱۹۸۰ مدیون خشم گسترده نسبت به حمله قبلی اسرائیل به لبنان بود؛ تهاجم

## قمار خطرناک اسرائیل

توماس اس. واریک  
پژوهشگر ارشد موسسه اسکوکرافت

اسرائیل هنوز در مورد یک طرح جامع پس از جنگ برای غزه تصمیم نگرفته است، اما برای جنگ با حزب‌الله لبنان، اکنون نه به یک طرح، بلکه به دو طرح پس از جنگ نیاز دارد. در روزهای آینده، حزب‌الله در پاسخ به ترور سیدحسین نصرالله و فرماندهان ارشدش، صدها یا هزاران موشک به سوی اسرائیل پرتاب خواهد کرد. توانایی ارتش اسرائیل و دفاع موشکی آن برای مختل کردن یا رهگیری این شلیک‌ها، آزمون بزرگ‌تری برای استراتژی اسرائیل نسبت به تلاش ۱۲ تا ۱۴ آوریل در مقابله با موشک‌های شلیک‌شده از سوی ایران است.

## ضربه از دست دادن رهبر

نیکلاس بلانفورد  
پژوهشگر غیرمقیم شورای اکتانلیتیک

ترور سیدحسین نصرالله در حمله هوایی اسرائیل به مقر وی، ضربه بزرگی به روحیه حزب‌الله وارد می‌کند. به‌ویژه در زمانی که اسرائیل، به زیرساخت‌های نظامی این گروه هم آسیب رسانده و برخی از فرماندهان ارشد آن را ترور کرده است. اما این سازمان مورد حمایت ایران از نظر فنی، همانطور که بلافاصله پس از ترور عباس موسوی در سال ۱۹۹۲ رخ داد، شورای رهبری حزب را تشکیل داده و دبیرکل جدیدی انتخاب می‌کند. محتمل‌ترین گزینه در شرایط فعلی، هاشم

## ضربه احتمالی به وحدت

سارا زعیمی  
مدیر مرکز رفیق حریری

ترور سیدحسین نصرالله ممکن است وحدت ملی لبنان را به چالش بکشد. در حال حاضر اختلافات بین کسانی که از انحلال حزب‌الله حمایت می‌کردند و این گروه را به گروگان گرفتن لبنان متهم می‌کردند و حامیان حزب‌الله که بر مقاومت در مقابل اسرائیل و گرفتن انتقام از اقدام اسرائیل در ترور سیدحسین نصرالله اصرار دارند، مشاهده می‌شود. این اختلافات ممکن است نشان‌دهنده تهدیدی برای صلح